

ویژگیهای امام و جایگاه امامت و اهل بیت در قرآن؛ مقایسه دیدگاه مفسران شیعه و ابا ضیه

محمود عباس زاده^۱ / منصور پهلوان^۲ / سید محمد علی ایازی^۳

چکیده: نصب و تعیین امام از طرف خداوند، عصمت و دیگر فضائل اهل بیت علیهم السلام از اساسی ترین آموزه ها و مفاهیم قرآنی است که در معارف امامیه جایگاه والا دارد، اما دیگر فرق و مذاهب اسلامی از جمله ابا ضیان با وجود اذعان به فضائل بی نظیر اهل بیت علیهم السلام و حرمت نهادن به خاندان رسالت، در بیان مبانی و منصوص بودن امام، تعریف عصمت و دیگر فضائل و تعیین مصادیق اهل بیت، دیدگاههایی متفاوت دارند در این مقاله تلاش شده تا با مراجعه به تفاسیر شیعه و ابا ضیه، مشخص شود ائمه و اهل بیت چه کسانی هستند؟ جایگاه و مرتبت امامت و مصادیق آن بر اساس آیات کجاست؟ اشتراکات و تفاوت های دیدگاه امامیه و ابا ضیه در این خصوص چه مواردی است؟ بررسی های به عمل آمده، نشان داد که ابا ضیان در مسئله نصب امام و اعتقاد به عصمت با شیعیان اختلاف دارند، اما با اندک تفاوت هایی به دیگر فضائل ائمه و اهل بیت اعتقاد دارند. این دستاورد در نتیجه بررسی تفسیر آیات اولی الامر، ولایت، امامت، مودت، تبلیغ، اکمال و تطهیر به دست آمده است. این پژوهش، بر اساس روش تحلیلی و با مراجعه به منابع اصلی تفسیری دو مذهب و تطبیق آنها با هم انجام شده است.

کلیدواژه ها: امامت، اهل بیت، فضائل، منصوص، عصمت، شیعه، ابا ضیه

* دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵؛ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول: pahlevan@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در این مقاله تلاش شده است که صفات و ویژگی‌های امام و جایگاه امامت و اهل بیت در قرآن، از دیدگاه شیعه و اباضیه مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد. برای ورود به این موضوع ابتدا باید شناخت اجمالی از پیروان اباضیه در مسائلی مانند پراکندگی جغرافیایی، حدود جمعیت، تاریخ پیدایش و... به عمل آید و آنگاه به عنوان مدخل سخن چند تعریف مختصر از نویسندگان شیعی و اباضی در مسئله امامت ذکر شده و آنگاه بر اساس آیات منتخب دیدگاه‌های دو گروه بیان شود.

دهخدا گوید: «اباضیه، یا اباضیه، فرقه‌ای از خوارج، منسوب به عبدالله بن اباض تمیمی و از کهن‌ترین فرق پیدا شده در بین مسلمانان هستند. با این که این فرقه در برابر اکثریت عظیم امت اسلامی، گروه کوچکی به شمار می‌آیند، ولی از لحاظ تاریخی و شناخت اعتقادات فرق و مذاهب دارای اهمیت بسیار هست. (دهخدا، ۱/۲۲۱)

ضیایی مذهب اباضیه را از قدیمی‌ترین مذاهب اسلامی می‌داند که در قرن اول هجری ظهور کرد و تنها در نیمه آخر قرن سوم به منزله مذهب، در منابع و مصادر ذکر شده است. (ضیایی، ۷۳). ایازی چهار تفسیر مهم اباضیه را کتاب الله العزیز، هیمیان الزادالی دارالمعاد، تیسیرالتفسیر و جواهرالتفسیر می‌شناساند. (ایازی، مجله بینات). عرب گوید: اباضیه در ابواب طهارت، نماز، روزه و... اشتراکاتی با شیعه دارند به عنوان نمونه، مانند شیعیان دستها را در نماز پهلوهایی خود قرار می‌دهند و در سفر نماز را شکسته می‌خوانند و یا بعد از حمد آمین گفتن را جایز نمی‌دانند. (عرب، ۵۷)

بیشتر پیروان مذهب اباضیه در کشورهای عمان، زنگبار، و در شمال آفریقا مانند، الجزایر، لیبی، تونس، غنا، مالی و کنگو زندگی می‌کنند. براساس آمارهای منتشر شده، جمعیت آنان را بین شش تا هفت میلیون نفر تخمین زده‌اند.

اباضیان بر مسئله امامت بسیار تأکید می‌کنند و اقامه آن را از واجبات می‌دانند، اما با امامیه تفاوت اساسی و مبنایی دارند و دیدگاه آنان در موضوع امامت، فقهی است. به همین علت انتخاب امام را از اختیارات و وظایف مردم می‌دانند و حکومت و امامت را نیز مترادف می‌دانند. آنان، حتی خلافت را برتر از امامت می‌دانند که عینیت آن فقط در

صدر اسلام به منصب ظهور رسیده است و دیگر تکرار نمی شود؛ بنابراین، امامت مورد نظر اباضیان، بیشتر موضوعی اجتماعی است و حداکثر کارکرد حکومتی و زمامداری دارد. در حالی که در این رابطه، دیدگاه شیعه کلامی است و امامت را انتصابی و از اصول دین می شمارند.

برای آشنایی بیشتر با این موضوع از دیدگاه اباضیه دو تعریف آنان از امامت ذکر می گردد: اباضیان در معجم خود آورده اند: «امامت همان ریاست عمومی دین و دنیا برای یک نفر است که جانشین رسول خدا ﷺ در برپایی دین و حفظ حدود ملت است. امامت از اصول دین است که بر پایی آن واجب است، زیرا مردم به آن محتاج هستند و از واجبات کفایی محسوب می شود، ترک امامت سبب تعطیلی حدود الهی و تضییع حقوق بندگان است». (مجموعه من الباحثین، ۱/۶۸). حارثی، از علمای معروف اباضیه، گوید: «امامت در لغت به معنی رهبری و پیشوایی است که از وی پیروی شود، خواه عادل باشد یا مستبد و ستمگر باشد، و چه بر طریق حق باشد یا باطل. لکن در عرف، امام به کسی گفته می شود که فقط عادل باشد. پس امام عادل کسی است که بر اساس آنچه خداوند نازل کرده است، حکم می کند و از قرآن تبعیت می کند اما امام ستمگر کسی است که به غیر آنچه خداوند نازل کرده، حکم می کند و از هوای نفس تبعیت می کن». (حارثی، ۲)

امامت در لغت، به معنای «ریاست عالیه و پیشوائی» (بستانی، ۱۲۷) آمده است. شیعیان، امامت را منصبی الهی می دانند که از طرف خداوند تعالی جعل گردیده است، امام احتیاج به هدایت غیر ندارد و از نظر تمام کمالات سرآمد، و دارای مقام عصمت است. بر اساس کلمات خود معصومین، اهل بیت معنویت فوق العاده و مقام ممتاز دارند که آنان را در سطحی مافوق سطح عادی قرار می دهد. به گفته صدوق: «شیعه اعتقاد دارد که خداوند احکام غیر امامت، مثل نماز و زکات و حج و غیره را به مردم واگذار نکرده است و مسلماً در این احکام، مردم حق اختیار و انتخاب ندارند، بنابراین مسلم واضح است که مسأله امامت و ولایت را که جامع همه احکام و حقایق است، به مردم واگذار نشده است». (صدوق ۱/۱۸). توضیح این مطالب در کلام یکی از دانشمندان معاصر

آمده است. (ربانی گلپایگانی، ۱۱)

پیشینه

در مورد اباضیه، تحقیقات اندک انجام شده، ولی منابعی برای تحقیقات در کتابخانه‌ها موجود است که از مهمترین آنها تفاسیر اباضیه است. در دهه‌های اخیر، به صورت خیلی محدود، چند عنوان کتاب و تعداد محدودی مقاله و چندین رساله و پایان نامه در خصوص اباضیه به زبان فارسی تألیف شده‌اند. اما تاکنون پژوهشی که بر اساس تفاسیر شیعه و اباضیه، دیدگاه آنان را در مورد ویژگیها و صفات امام و جایگاه امامت در قرآن بررسی و مقایسه کرده باشد، وجود ندارد. لذا در این مقاله تلاش شده است که بر اساس تفسیر آیات منتخب، دیدگاه دو گروه در این باره احصاء گردد.

۱- نصب و تعیین امام از طرف خدا

مفسران و علمای شیعه بر اساس برداشت خود از آیات و روایات، امامت را مقامی انتصابی از طرف خدای تعالی می‌دانند که این انتخاب را هرگز به فرشتگان یا انسانها واگذار نکرده است. امامت رفیع‌ترین و والاترین مرتبه در خلقت است، لذا خدا خود متکفل تعیین امام گردیده و مشیت خداوند بر این قرار گرفته است که زمین هرگز از وجود امام خالی نماند و برای رساندن انسانها به کمال و سعادت حقیقی، اسباب و لوازم این مسیر را نیز فراهم کرده است، بنابراین در مرتبه اول، خود را ولی و سرپرست بندگان قرار داده است و برای تحقق این امر، بندگان خاصی را برگزیده است. راهنمایی و راهبری انسانها توسط امام معصوم، بالاترین لطف و رحمتی است که خالق متعال برای مخلوق در نظر گرفته و آنان را به بشریت هدیه می‌کند.

آیه ولایت (سوره مائده، آیه ۵۵)، تعیین و نصب امام را از آن خدا می‌داند. اصل کلمه «ولی» دلالت بر مجاورت می‌کند، از قبیل سرپرست، که به معنای همراه، متحد، همسایه و هر چیزی که نزدیک باشد آمده است. (ابن فارس، ۶/۱۴۱) ولی به معنای صاحب نعمت، پشتیبان و چیره شدن کسی بر چیزی است که در دستش قرار گرفته باشد. (فراهیدی، ۸/۳۶۵)

شیعه صلاحیت معرفی و تعیین ولی را مختص خدا می‌دانند. (طبرسی ۷/۸۸)؛ (کاشانی،

۳/۲۶۴)؛ (طیب، ۴/۱۱۴) (طیب، ۴/۴۰۵).

پیام اصلی آیه «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده ۶۷) نیز بحث ولایت و جانشینی رسول الله ﷺ است، با این نکته واضح که خدا امام جامعه را تعیین می‌کند و ابلاغ کلی آن توسط پیامبر ﷺ انجام شده و سپس هر کدام از ائمه امام بعد از خود را به طور صریح و مصداقی مشخص فرموده‌اند. نزول این آیه در غدیر تأکیدی بر این حقیقت است. (طباطبایی ۶/۶۹ (فیض کاشانی ۲/۱۰) (قمی ۱/۱۶۲)

درخصوص تعیین و نصب امام توسط خداوند، برخی دیگر از اندیشمندان شیعه توضیحاتی داده‌اند. (سبحانی تبریزی، ۱۰).

اما آنچه در تفاسیر اباضیه به آن پرداخته نشده و وجود ندارد شناسایی امام از طریق وحی است. در تفاسیر اباضیه ذیل آیه ۵۵ سورۀ مائده هیچ برداشت و اشاره‌ای به این انتصاب نورانی نیست و جایگاه امام در حد انسانهای معمولی پنداشته شده که هر کسی می‌تواند خود را در صف مدعیان این جایگاه قرار دهد.

تفسیر کتاب الله العزیز، از تفاسیر اباضیه، به تبیین معنای آیه با ذکر احادیث پرداخته و برای «ولی» معانی مختلفی که در روایات یافته، ذکر نموده ولی هیچ اشاره‌ای به مصداق خاص نکرده و تمام مومنان را مصداق «والذین آمنوا» می‌داند. (الهوری، ۱/۴۳۳) تیسیر التفسیر، نیز که از فرقه اباضیه است، مانند هورای می‌گوید بر این مبنا که «ولی» را به دوست معنا کرده است. (اطفیش، ۴/۷۰)

در تفسیر آیه تبلیغ هم اباضیان به امامت و جانشینی اشاره‌ای نکرده‌اند و با تفسیری نادرست این عقیده را به شیعیان نسبت می‌دهد که پیامبر چیزی از وحی کتمان و یا پنهان می‌کند (الهوری ۱/۴۳۷)؛ (اطفیش، ۴/۹۱)؛ در حالی که شیعه از این اعتقاد مبرا است و این سخن با اعتقاد شیعه به عصمت تضاد دارد. اما خطاب خداوند به پیامبر ﷺ برای توجه دادن به اهمیت مطلب است.

۲- عصمت و مصونیت از گناه و خطا

یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز امام و مقام امامت، عصمت است که از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء ۵۹) مشهور به آیه اطاعت یا اولی الامر

بر می‌آید. طبق بیان تفاسیر شیعه ذیل همین آیه حکیم مطلق، اصلی‌ترین وسیله یعنی امام معصوم را برای رسیدن به سعادت دو جهان در اختیار بشریت قرار داده است. آنان به مسئله اطاعت مطلق از امام استناد می‌کنند که خدا خواستار آن است و این اطاعت، فقط شایسته معصوم است و گرنه در بحث هدایت و سعادت انسانها تناقض پیش می‌آید.

طبرسی با بیان این مطلب به عنوان شاهد، به آیات دیگری نیز استناد نموده است مثل: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء: ۸۰)؛ «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷) و «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى» (نجم: ۳). بدیهی است که علما و زمامداران چنین صفاتی ندارند و خداوند برتر از این است که مردم را به اطاعت بدون قید و شرط افرادی امر کند که مرتکب معصیت می‌شوند یا میان گفتار و کردارشان اختلاف است، و بدیهی است که تنها ائمه بعدی از آل پیغمبر چنین مزیتی دارند نه دیگران. آنان کسانی هستند که امامت و عصمت ایشان به ثبوت رسیده و تمام مسلمین بر بلندی رتبه و عدالت ایشان اتفاق دارند. (طبرسی، ۵/۲۰۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند پیامبرش را به بهترین وجه تربیت کرد تا او را به سر حد کمال رساند. سپس امر دین و رسیدگی به شؤون امت را به او سپرد تا رهبری بندگان خدا را به عهده گیرد. آنگاه پروردگار فرمود: آنچه را پیامبر دستور می‌دهد پیروی کنید، و آنچه را نهی می‌کند واگذارید». (کلینی، ۱/۲۶۷)

مشابه این بیان به الفاظ مختلف در تفاسیر دیگر شیعه آمده است. (طباطبایی، ۴/۶۱۸)؛ (طبرسی، ۵/۲۰۲ * طباطبایی، ۳/۲۳۵ * طوسی، ۴/۶۱۸)؛ (مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۶۹).

آیه تطهیر (سوره احزاب، آیه ۳۳) نیز مصادیق اهل بیت را مشخص کرده که در شان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است، و احدی در این فضیلت با آنان شرکت ندارد. (طباطبایی، ۱۶/۴۶۵) (حسینی همدانی، ۱۳/۱۰۵) علاوه بر موارد ذکر شده، منابع بسیاری و تمام تفاسیر و نوشته‌های دانشمندان شیعه در ذیل این آیه، معصوم بودن امام و اولی الامر را اثبات نموده‌اند از جمله: طیب ۴/۱۱۴، طوسی ۳/۲۳۵، ابوالفتوح رازی ۵/۴۰۹، صدوق ۱/۴۷۴، جرجانی ۲/۲۳۳، بحرانی ۲/۱۰۳، مطهری ۳/۲۸۱

تفاسیر اباضیه در موارد بسیاری از مباحث عصمت و امامت، حق مطلب را به جا

نیاورده‌اند، ولی گهگاه جایگاه برجسته و رفیع اهل بیت را تا حدودی نشان داده‌اند و می‌توان علاقه مندی و حب اباضیان را به اهل بیت پیامبر ﷺ مشاهده کرد، البته دوست داشتن و معترف بودن به فضائل اهل بیت تا پیروی کردن و دستور گرفتن و اطاعت کردن تفاوت و فاصله بسیار است.

تفسیر کتاب الله العزیز با آوردن چند حدیث از جمله حدیثی که پیامبر ﷺ، خمس طیبه را اهل بیت و خاندان نبوت خطاب کرده، از انس بن مالک نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ، به مدت شش ماه، هنگام طلوع سپیده دم، به در خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام می‌رفت و می‌فرمود: خدا چنین می‌خواهد که رجس و هر آلاشی را از شما خانواده "نبوت" ببرد و شما را از هر عیب، پاک و منزّه گرداند. (الهوری ۳/۳۲۳). تیسیرالتفسیر اهل البیت را همسران پیامبر ﷺ می‌داند و خمس طیبه را یکی از احتمالات می‌داند. و حدیث یادشده را نقل می‌کند. (اطفیش ۱۱/۲۸۵)

بنابراین علی رغم داشتن حب اهل بیت و اعتقاد به جایگاه رفیع آنان، اعتقادی به معصوم بودن امام در مذهب اباضیه وجود ندارد، زیرا منظور آنان از امام، زمامداری است و هر کس می‌تواند امام جامعه باشد. لذا به مسئله عصمت اعتقادی ندارند و امامت مورد نظر خودشان را برای هر کس جایز می‌شمارند. آنان می‌گویند: «اولی الامر همان اهل فقه و دانش و عقیده، عالمان و دانشمندان، صاحبان تفقه در عقل و دین و فرماندهان لشکرها هستند.» (الهوری، ۱/۳۵۴* اطفیش، ۳/۲۵۱) آنها در این تفسیر، به آیه «لورده الی الرسول و الی اولی الامر منهم لعلمه الذین یستنبطونه منهم» (نساء ۸۳) استناد کرده‌اند. (اطفیش، ۳/۲۵۱)

۳- امامت بالاتر از رسالت و نبوت

از آیه «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» است (بقره ۱۲۴) که به آیه امامت معروف است، برداشت می‌شود که مقام امامت، بالاتر از نبوت و رسالت است و به برگزیدگان برتر اعطا می‌شود، پیامبر اعظم ﷺ دارای هر دو منصب رسالت و امامت بوده‌اند و بزرگترین امتحانات و ابتلائات الهی در مورد امامان انجام شده است.

تفسیر مجمع البیان منظور از امتحان در این آیه را تکالیفی دانسته که خداوند بر عهده انسانها می‌گذارد و یکی از مصادیق آن، حضرت ابراهیم علیه السلام است که خداوند با توجه به ظرف وجودی آن پیامبر بزرگ امتحانهای سخت و دشواری از او به عمل آورد و چون از آن سربلند بیرون آمد، خداوند مقام برتر و بالاتری که همان امامت است به او عنایت فرمود. (طبرسی، مجمع البیان ۲/۳۴) طبق روایت طبرسی، حضرت صادق علیه السلام مراد از کلمات در آیه را نام محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می‌داند. (طبرسی، جوامع الجامع ۱/۱۶۶) در تفسیر المیزان هدایت امام علیه السلام را هدایت به امر خدا، یعنی ایجاد هدایت دانسته، در باره هدایت انبیاء و رسل و مؤمنین و اینکه هدایت آنان صرف نشان دادن راه سعادت و شقاوت است، می‌فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يُلْسِنُ قَوْمَهُ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ، فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ. (طباطبایی، ۱/۴۱۰)

مفسران اباضیه می‌گویند که هر فرد عادی می‌تواند امام شود و در جایگاه امامت قرار گیرد و الگو و اسوه زندگی برای جامعه شود. آنان امامت فاسق را پس از توبه جایز می‌دانند. تفسیر کتاب الله العزیز برای «امام» معانی مختلفی آورده و بر اساس روایات مورد قبول مذهب اباضی مراد از کلمات در آیه را مناسک حج، یا امور سختی که ابراهیم علیه السلام را بدانها آزمود، می‌داند. (الهوری، ۱/۱۳۷)؛ همین مضامین در: (اطفیش، ۱/۲۴۵)

تفسیر و دیدگاه اباضیه در این مسئله نیز کامل و جامع نیست و صرف نظر از منصوص بودن و معصوم بودن، افراد را به عنوان الگو و اسوه معرفی کردن، کفایت رساندن این پیام قرآنی را ندارد، و به بیراهه رفتن است.

۴- امامت متعالی تر از حکومت

قرآن امامت را به معنای هدایت و رهبری می‌داند که حکومت و زمامداری، از ابعاد کوچک آن است. مجمع البیان آیاتی را مرتبط با امامت می‌داند، مثل: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء ۸۰) و آیه: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر ۷). و آیه: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» (نجم ۳). (طبرسی، مجمع البیان ۵/۲۰۲).

استاد مطهری می‌نویسد: «این، اشتباه بسیار بزرگی است که احیاناً تا می‌گویند امامت،

متوجه مسأله حکومت می‌شوند در حالی که مسأله حکومت از فروع و یکی از شاخه‌های خیلی کوچک مسأله امامت است و این دور نباید بایکدیگر مخلوط کرد. پس مسأله امامت چیست؟ در مورد مسأله امامت، آنچه که در درجه اول اهمیت است مسأله جانشینی پیغمبر است در توضیح و تبیین و بیان دین، منهای وحی». (مطهری، مجموعه آثار ۴/۷۲۷)

احادیثی مثل سفینه و ثقلین و... که مورد اتفاق فرقه‌های اسلامی از جمله اباضیه نیز هست بر این امر صحه می‌گذارد. اما اباضیان علما و زمامداران و.. را متولیان منصب امامت می‌دانند که با نص قرآن سازگار نیست.

۵- مالکیت معنوی و رهبری جامعه و مرجعیت علمی بشریت

از دیگر ویژگیهای ممتاز امام و امامت، مالکیت معنوی و مرجعیت علمی برای بشریت است. مفسر المیزان می‌گوید: «و اگر در یک طایفه دیگر که اخبار آن نیز متواتر است، یعنی خبری که از هر دو طریق از رسول خدا ﷺ رسیده، و مردم را در فهم کتاب خدا و معارف اصولی و فروعی دین و بیان حقایق آن، به اهل بیت علیهم‌السلام ارجاع داده - مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و امثال آن - دقت کافی به عمل آوریم، هیچ شکی بر ایمان باقی نمی‌ماند که منظور از واجب کردن مودت اهل بیت، و آن را به عنوان اجر رسالت قرار دادن تنها این بوده که این محبت را وسیله‌ای قرار دهد برای این که مردم را به ایشان ارجاع دهد، و اهل بیت مرجع علمی مردم قرار گیرند. پس مودتی که اجر رسالت فرض شده چیزی ما و رای خود رسالت و دعوت دینی و بقاء و دوام آن نیست. پس، بنا بر این تفسیر، مفاد آیه شریفه هیچ تغییری با آیات دیگر که اجر رسالت را نفی می‌کنند ندارد». (طباطبایی ۱۸/۶۶). همین مضامین به بیان دیگر در اطیب البیان (طیب ۴/۴۰۵) و در بیان استاد مطهری (مطهری، مجموعه آثار ۳/۳۱۸) نیز آمده است.

اما مفسرین اباضیه چون به مسئله عصمت معتقد نیستند، لذا نتیجه‌ای مبنی بر مرجعیت علمی و مالکیت معنوی نمی‌گیرند و نهایتاً به بعضی از فضایل و سجایای اخلاقی برای ائمه و آن‌ها با عنوان اهل بیت قائل هستند، در حالی که می‌توان بعضی از این سجایا و فضیلتها را برای غیر معصوم نیز قائل بود.

نتیجه گیری:

۱. اباضیه انتخاب امام را توسط مردم می‌دانند، و مصادیق آن را صاحب منصبان و حاکمان، عالمان، امرای لشکر و... می‌دانند. در نظر آنان امامت جایگاهی اجتماعی است و نمی‌توان آن را برتر و بالاتر از نبوت و رسالت دانست. اما به نظر شیعه، امام توسط خداوند تعیین و نصب می‌شود و انتصابی است و بر منصوص بودن امام در آیات بسیاری از قرآن کریم تأکید گردیده است. امام، مقامی است که از رسالت و نبوت بالاتر است و خداوند بعد از سخت‌ترین امتحانات و ابتلائات این مقام را به شایستگان اعطا می‌کند. پیامبران بزرگ علاوه بر مقام نبوت و رسالت دارای مرتبه برتر و بالاتر یعنی امامت نیز می‌باشند، یعنی هم راهنما و هم رهبرند.

در قرآن علاوه بر نبوت و رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، به استناد آیات زیادی امامت آن حضرت صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، مبرهن و واضح است و به استناد آیات و روایات بسیاری سلسله امامت اهل بیت علیهم السلام و مصادیق آن تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مشخص و معرفی گردیده‌اند..

۲. اباضیان اعتقادی به عصمت امام ندارند و می‌گویند کسان دیگری غیر از اهل بیت نیز می‌توانند امام باشند. اباضیان برای خمسه آل عبا و دیگر اهل بیت احترام قائل‌اند، و در خصوص فضائل و صفات برجسته آنان مطالب بسیاری گفته‌اند؛ اگر چه کسان دیگری را هم در عداد اهل بیت دانسته‌اند. آنان، امامت را با حکومت مترادف می‌دانند، یعنی هر کس که بر جامعه اسلامی حکومت داشته باشد، امام نیز هست. لذا جایگاه امامت را به عنوان یک مسند اجتماعی و در جایگاه حکومت و زمامداری می‌دانند.

همچنین معتقدند که خلافت برتر از امامت است و این مهم فقط در زمان خلفای صدر اسلام بوده است و دیگر مصداقی برای آن نخواهد بود و تحقق نخواهد یافت. آنان اكمال دین و اتمام نعمت را در مورد استمرار امامت و یا ولایت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌دانند.

ولی شیعیان می‌گویند: چون در قرآن اطاعت از امام، مطلق و بدون هیچ قید و شرطی

آمده است، پس امام معصوم است و از گناه و خطا و اشتباه مبرا است و بر اساس قاعده لطف، مصادیق امام نیز توسط خداوند مشخص و به بشریت اهدا شده است و لذا اهل بیت، خاندان رسالت هستند و غیر ایشان را شامل نمی‌شود.

از نظر شیعه، امامت جانشینی پیامبر ﷺ در توضیح و تبیین و بیان دین است و خلافت و حکومت و زمامداری از فروع و ابعاد کوچک مسئله امامت است. جانشینی پیامبر ﷺ امری است که موجب کمال دین و تمامیت نعمت اسلام است و آن، چیزی جز ولایت و امامت نیست و استمرار امامت آخرین دستور، فریضه و وحی الهی بر پیامبر ﷺ است و تا زمانی که در زمین موجودی به نام انسان هست، زمین از امام و حجت خالی نخواهد ماند.

۳. اباضیه در ابواب طهارت، نماز، روزه، حج، بیع و... اشتراکاتی با شیعه دارند به عنوان نمونه، مانند شیعیان دستها را در نماز پهلوهایی خود قرار می‌دهند و در سفر نماز را شکسته می‌خوانند و یا بعد از حمد آمین گفتن را جایز نمی‌دانند. اکثر قریب به اتفاق اباضیان، مانند بسیاری دیگر از فرق اهل سنت محب و دوست دار اهل بیت هستند و در مدح و ذکر فضائل آنان سخنان زیبایی دارند.

سال بیست و یکم، شماره ۸۳، پائیز ۱۴۰۲

فهرست منابع:

ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق
ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی

اراکي، محسن، امامت در قرآن، ترجمه امید مؤذنی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳
اطفیش، محمد بن یوسف، تیسیر التفسیر للقرآن الکریم، وزارت تراث القومی والثقافی، عمان، ۱۴۰۷ ق
ایازی، سید محمد علی، نگاهی به تفاسیر اباضیه، مجله بینات ۱۳۷۴
بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ه ش
بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۵ ق
بهرامی، محمد، آرای کلامی و تفسیری اباضیه، مجله پژوهشهای قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۷۷
جرجانی، حسین بن حسن، جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، تصحیح و تعلیق: جلال الدین محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

حارثی، مالک بن سلطان، نظریه الامامه عند الاباضیه، مطبعه مسقط، سلطنه عمان، ۱۴۱۱هـ، ۱۹۹۱م
حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران، انتشارات لطفی، ۱۴۰۴هـ.ق

دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲
ربانی گلپایگانی، علی، امامت در پرتو عقل و وحی، قم، انتشارات حکمت اسلامی، ۱۳۹۴ش
سبحانی تبریزی، جعفر، خدا و امامت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲
صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
ضیایی، علی اکبر، تاریخ و اعتقادات اباضیه، انتشارات ادیان، ۱۳۹۰
طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران
طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، مصحح: ابوالقاسم گرجی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲هـ.ق

طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۶۹هـ.ش
طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی
عرب، محمد، آشنایی با مذهب اباضی، انتشارات علمی و فرهنگی
فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق
فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۰۹۱هـ.ق
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳هـ.ش
قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸هـ.ش
کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیة
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق

مجموعه من الباحثین، معجم مصطلحات الاباضیه، وزاره الاوقاف و الشؤون الدینیة، عمان، ۱۴۲۹ق
مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران - قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷هـ.ش
مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶هـ.ش
الهوری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز هورای [بی جا]، دار البصائر، ۱۴۲۶هـ.ق